

به مناسبت روز بزرگداشت مولوی

مروری بر کتاب ملک گرسنه

کتاب ملک گرسنه داستان دوستی دو جوانمرد شوریده‌وش است، داستان پشمینه‌پوشی تندخو و سجادۀ‌نشینی باوقار، شرح شورانگیز بیرون تراویدن گوهرهای معرفت از بن چاه سینه شیخی محتشم، شیخی که پیش از دیدار با شمس بینی نسروده بود اما پس از دیدار استثنایی قوّت می‌بریش را شکست و شاد و رفت و فریه گلگون شد و پا در راه سفری آسمانی نهاد و چون راز سربه‌مُهر به عالم سمر شد. مولانا «در حالت سماع و حمام و قعود و قیام و نهوض و آرام (شعر می‌سرود)، همچنان اتفاق افتادی که از اول شب تا مطلع الفجر، موالی املامی‌کرد و... حسام‌الدین به‌سرعت تمام می‌نوشت و مجموع نبشته را به آواز خوب بر مولانا می‌خواند.» ۲۶ جمادی‌الآخر سال ۶۴۲، سال قمری نبود، سال شمسی مولانا بود، سالی که شمس به او پیوست؛ «مقصود از وجود عالم ملاقات دو دوست بود؛ شمس تبریز را چودیدم من نادره بجرو گنج و کان که منم شمس شری بر جان جوشان مولوی انداخت و با خگر شمسانه‌ای روحش را گداخت. آنچه در خود اندوخته بود به مولانا بخشید و آنچه در او بود را ازو ستاند. او بازگانی بی‌طمع بود. اما خود نیز می‌گفت «مولانا مرا بس بود اگر مرا طمع بود.» چرا که «غواص مولاناست و بازگان من و گوهر میان ماست.» در راه قونیه، شنیده بود «مولانا فُری دارد و نوری و مهابتی» و «در اصول و فقه و کلام و منطق نظیر ندارد.» او از دوردست‌ها آمد و مولوی را تپی کرد و رفت؛ از خودش، علمش، شاگردانش، کسبوش، ملک‌گرسنه، شمای‌زندگی شمس است پیش و پس از مولانا. باتکیه بر مقالات شیوای شمس و مناقب‌العارفین و ابتدا نامه و برخی مکتوبات دیگر که گزارشی از زندگی و دیدار شمس و مولانا کرده‌اند. آنچه هوش‌ریا و تعجب‌انگیز است سلطه و احاطه نهال تجدد بر مقالات است. تجسّد یا خوش‌حافظگی و خلاقیتش از دل مقالات قصه و دیالوگ بیرون کشیده است و شرح

کشافی از آشنایی و جدایی وجدآفرین شمس و مولوی به‌دست داده است. شمس گوهر عاشقی را در جان مولوی تابان کرد و رمز شادزیستی را به مولوی آموخت. او خود می‌گفت: «ما آنیم که زندان را بر خود بوستان گردانیم» و «من چون شاد باشم، هرگز اگر همه عالم غمگین باشند در من اثر نکند و اگر غمگین هم باشم نگذارم که غم کس به من سرایت کند.» از همین‌رو در دیوان کبیر می‌خوانیم: باده غمگینان خوردند و ما ز می خوشدل تریم رو به محبوبان غم ده ساقیا ایفون خویش خون ما بر غم حرام و خون غم بر ما حلال هر غمی کوگرد ما گردید شد در خون خویش. او به مولوی نوروژی و طراوت‌آفرینی بخشید. اگر تو عاشقی غم‌راها کن عروسی بین و مانم‌راها کن. یکی از ارکان این رابطه رازآمیزی شادی بخشی و شکوفه‌پروری در مولانا بود. او جان مولانا را گلزار یارچین خنده‌رو کرد؛ در دل ما لاله‌زار و گلشنی‌ست پیری و پژمرگی را راه نیست دائماً تر و جوانیم و لطیف تازه و شیرین و خندان و ظریف هر ذره که می‌پویید بی‌خنده نمی‌روید از نیست سوی هستی ما را کی کشد؟ خنده.

برای خواندن ادامه یادداشت کیوآرکد رو به‌رو را اسکن کنید

شعررضوی باید بین محبت و معرفت در نوسان باشد



مصطفی محدثی خراسانی، شاعر و پژوهشگر ادبیات آیینی و انقلاب اسلامی تأکید دارد که باید شعررضوی علاوه بر سرشار بودن از توصیف‌های احساسی و عواطف ناب دارای مفاهیم معرفتی باشد. محدثی خراسانی با بیان اینکه شعر رضوی بخش عمده‌ای از ادبیات آیینی را به خود اختصاص داده، توضیح داد: شعر رضوی همواره در تاریخ شعر فارسی به‌عنوان یک موضوع چشمگیر مطرح بوده و کمتر شاعر ایرانی

گفت‌وگو

گفت‌وگو با پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی به مناسبت روز مولوی:

به مولوی بدهکاریم

میراث‌داری بدون ادای دین فرهنگی

چند سالی می‌شود که برخی کشورهای منطقه در پی سرقت مشاهیر ادبی‌مان هستند. این اتفاق برای ما ایرانی‌ها همان قدر مضحک است که کسی بخواهد بگوید حافظ یا سعدی شیرازی نیستند و مثلاً از اهالی یک جغرافیای دیگرند. اما کلیت این امر خنده‌الزب می‌رباید و چیزی فراتر از یک شوخی خنده‌دار است، زیرا نشان‌دهنده این است که ما از مشاهیرمان غافل مانده‌ایم و حالا کشوری که در پی تاریخ‌سازی است، این بار سراغ سرقت مشاهیر ما و مادرکردن سبلی جعلی در جغرافیایی دیگر به جز ایران است. چه بخواهیم بپذیریم و چه انکار کنیم اما حقیقت این است، اگر کشوری مانند ترکیه که در سال‌های اخیر در تلاش است تا روایت‌های خودش را از جلال‌الدین محمد بلخی معروف به مولوی در جهان روایت غالب و برتر نشان دهد آن سوی این سکه این اتفاق در وهله اول بی‌توجهی سیاست‌گذاران فرهنگی و پس از آن جامعه ادبی ایرانی از جمله نخبگان دانشگاهی، اساتید و حتی شهروندان عمومی به میراثی مانند مثنوی است. ۷ مهر در تقویم ما روز بزرگداشت مولوی است. به مناسبت امروز با دکتر اسماعیل امینی پژوهشگر، منتقد و مدرس ادبی در دانشگاه تهران درباره روایت‌های ترکیه در چند سال اخیر پرداخته‌ایم.



زینب مرزوقی
گروه فرهنگ و هنر

۱] در چند سال اخیر می‌بینیم ترکیه دائماً در حال روایت‌سازی جعلی درباره مولانا است. یکی از نمونه‌های آن رمان ملت عشق و داستان‌سازی گفت‌وگوهای مولانا و شمس است. این اتفاق دو وجهه دارد: یکی این‌که مولانا در جهان با روایت ترکیه شناخته می‌شود و دومی نیز اساساً انتصاب و جعل تاریخ ادبیات است؛ مثل همان چهل قاعده شمس در همان رمان.

درباره این مسأله بگویید.

ما ملتی هستیم که زبان رسمی‌مان همان زبانی است که آثار مولوی به آن نوشته شده است. از این ظرفیت بسیار استفاده نمی‌کنیم. یعنی نه به خود زبان فارسی و نه به متون ادبی تاریخی‌مان اعتنایی نمی‌کنیم. از طرف دیگر برای ترویج، معرفی و آموزش آن کاری انجام نمی‌دهیم. مثلاً رشته ادبیات‌مان در دانشگاه‌ها جزو ضعیف‌ترین رشته‌هاست. در مدرسه هم مرتب از زمان تدریس ادبیات کم کرده و به علوم پایه اضافه می‌کنیم. چه کسی باید از این میراث عظیم دفاع کند؟ ما تنها ملتی هستیم که می‌توانیم مثنوی یا غزلیات شمس را به همان زبان خودش بخوانیم و بفهمیم. وقتی این کار را انجام نمی‌دهیم، طبیعتاً کشور دیگری که به فکر درآمدزایی است، مراسم جعلی برگزار و روایت جعلی منتشر می‌کنند. ملت عشق در کشورمان چند بار ترجمه شد؛ بیشتر ناشران ما این کتاب را ترجمه و منتشر کردند. بیشتر مردم ما فیه ما فیه که دستور زبان رسمی‌اش است را نخوانده اما ترجمه ملت عشق را خوانده و مرتب به آن ارجاع می‌دهد. متأسفانه این موضوع در رسانه‌ها هم اتفاق افتاده است. اصلاً ما این مسأله را می‌پذیریم که قبر مولوی بیرون خاک ما مدفون است. اما عطار، سنایی، حافظ یا فردوسی در خاک کشورمان هستند درباره این بزرگان چه برنامه و ایده‌ای داریم؟ من چندبار قونیه رفتم. از همان یک موجودیت، با وجود این‌که زبان‌شان زبان فارسی نیست اما سالانه میلیاردها دلار درآمد دارند و همیشه توریست درحال تردد است. اینجا در خاک ایران ۱۰ برابر مشاهیر مدفون هستند



مولانا و رسانه

به نظر من کار رسانه جایگزین مجامع علمی و تحقیقاتی نمی‌شود. کار رسانه عمومی اطلاع‌رسانی و روشنگری است. حتی سریال و فیلم هم جایگزین تحقیق نمی‌شوند. ما برای شاعران معاصر سریال ساخته‌ایم اما روایت درستی برای مخاطب ارائه ندادیم و کار یک ناظر ادبی نداشت. شخصیت اصلی اشعار را اشتباه می‌خواند. بنابراین من معتقدم رسانه نمی‌تواند جایگزین تحقیقات و تدریس شود. رسانه کارش ترویج است و نه تحقیق. ما قسمت تحقیق را اساساً تعطیل کردیم و قاعده نظام‌مندی برای تحقیق نداریم که جهت تحقیقات سوری نباشد و کار واقعی برای شخصیتی مثل مولانا انجام دهیم. موضوعاتی که برای تحقیق به دانشجویان پیشنهاد می‌دهند، گاهی از کار ادبیات و زبان فارسی را باز نمی‌کنند. ما مقاله‌ای در باب جانوران در مثنوی داریم. نتایج حاصل از تحقیق این است که مثلاً خر چندصد بار و شیر چندصد بار در مثنوی آمده است. این آمار چه فایده‌ای دارد برای زبان و ادبیات دارد؟ فراوان از این موضوعات داریم. با تحلیل مثنوی بر اساس گراماس یا نظریات پراپ تازگی‌ها بسیار متداول و مد شده است. متأسفانه بیشتر این تحقیقات معنای معمولی عاقلانه و چند گزاره عقلی ندارد، چه برسد به این‌که برای زبان و ادبیات ما راهگشا باشد. همیشه فکرمی‌کنم اگر این مقالات به زبان انگلیسی ترجمه شود مجامع بین‌المللی چه فکری درباره ما می‌کنند؟

را به‌ویژه در میان معاصران و نسل جوان امروز سراغ داریم که به فرهنگ رضوی چه در مدح و منقبت و بیان واگویی‌های عاطفی و چه زیارت نبرداخته باشد. بخشی از اشعار رضوی تنها در حال و هوای زیارت قرار دارند و شامل واگویی‌های شاعر با امام رضا (ع) هستند که در آنها وجه عاطفی بسیار بالاست. شاعر در این اشعار به اظهار ارادت و درخواست شفاعت به پیشگاه امام رضا (ع) می‌پردازد. این گونه اشعار



غصه بخوریم اما به لحاظ اقتصادی این ایده بسیار خوبی است. ما می‌توانیم برای توس یا نیشابور این طرح را اجرایی کنیم. یا بسطام و خرقان که روزگاری مرکز عرفان بود. اما این کار را انجام نمی‌دهیم. ظرفیت‌ها را داریم. روی گنج نیستیم، به جزاین است که ما میراث‌داران بزرگان نیز هستیم. اگر کسی در جهان بخواهد آثار حافظ، سعدی، عطار و مولوی را بخواند باید سراغ ما بیاید چرا که ما در جهان ترجمان این آثار هستیم. اما این اتفاق نمی‌افتد و در غفلت می‌گذرانیم. تنها چندسال یک‌بار یک مراسم رسمی دولتی برای این مشاهیر برگزار می‌کنیم و فقط روی دست خودمان هزینه می‌گذاریم. برای نظامی گنجوی که چندسال اخیر نامش در مجامع ادبی بیشتر شنیده می‌شود هم فقط مراسمی سوری داشتیم. حتی که هیات از اینجا به گنجه برای تبادل علمی اعزام نشد. در گنجه هم بسیار مشتاق مراوده علمی با ما هستند چرا که آثار نظامی برایشان اهمیت دارد و به لحاظ تحلیل و زبان محتاج ما هستند اما ما هیچ کاری برای تبادل استاد و پژوهشگر انجام نمی‌دهیم. مگر ما نمی‌توانیم در گنجه یک کتابخانه تخصصی داشته باشیم؟ اما این کار را انجام نمی‌دهیم چرا که برایمان اهمیتی ندارد و سیاست‌گذاران فرهنگی مافکر می‌کنند ساختن کتابخانه در گنجه کاری بیهوده است.

گفت‌وگو می‌کنیم؟ فکر می‌کردند این زبان از بین رفته است و تنها اساتید ادبیات از این زبان سر درمی‌آورند. ما حتی در این حد و اندازه هم خودمان را معرفی نکرده‌ایم. رایزنی فرهنگی ما متأسفانه تنها مراودات ساده اداری است.

۲] نکته دیگری که در این بین پیش می‌آید، این است که ترکیه از چه تاریخی به جعلی‌سازی درباره مولوی پرداخت؟

به تدریج اتفاق افتاده است. قونیه شهری بود که توریست کمتر به آن رفت و آمد می‌کرد. اما کسی این وسط خلاقیت به خرج داد و از مقبره مولوی به عنوان جذب توریست استفاده کرد. به تدریج در آنجا یک مرکز فرهنگی بزرگی ساخته شد. یک محل بزرگ برای مراسم سماع، فرودگاه، هتل‌های خوب و تمهیدات لازم کم‌کم فراهم شد و اکنون در حال استفاده از این ظرفیت است. ما به لحاظ فرهنگی ممکن است

«جادوی زبان» به روایت سیروس شمیسا

نشر قطره کتاب «جادوی زبان» اثر سیروس شمیسا را با شمارگان ۵۰۰ نسخه در ۲۵۰ صفحه منتشر کرده است. کتاب هشت فصل به ترتیب با این عناوین دارد: «کلیات»، «بدیع»، «کلمات محتمل الضدین»، «ریشه لغات»، «شعبد بازی‌های زبانی»، «تصادفات زبانی»، «خاطرۀ پنهان» و «ناخودآگاه مثنو». تلاش نویسنده براین بوده که بیان کند: واژه علاوه بر معنای مختلف و داشتن مترادفات و متضاده‌ها به لحاظ ظاهر هم متلابدال و تحریف و قلب و امثال اینها، یک لغت نیست بلکه هاله‌ای از لغات است با اشکال و معانی متفاوت که گاهی درهم پیچیده می‌شوند و در ذهن مفاهیم عجیب و دوراز انتظاری ایجاد می‌کنند که به این حالت جادوی زبان گفته می‌شود. درواقع جادوی زبان با ابراز مختلفی که دارد از جمله ابهام تناسب، ابهام تضاد، روابط بینامتنی و... دردل متن حاضر، متن غایب را می‌سازد که چه بسا عمیق‌تر از متن بافعل است. شمیسا در بخشی از پیشگفتار خود بر این کتاب چنین نوشته است: «عمده هدف من این بود که مفهوم کلی جادوی زبان را که باعث ارتباطات متعددی در بین کلمات – چه پنهان و چه آشکار – می‌شود، توضیح دهم. / مهر

«راز کلمه‌ها» در کانون

نمایشگاه منتخب کتاب با موضوع «الفبا» تا پایان مهر در کتابخانه مرجع کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان میزبان علاقه‌مندان است. کتابخانه مرجع کانون هر ماه منتخبی از کتاب‌های فارسی و غیرفارسی خود را در قالب نمایشگاه در معرض دید علاقه‌مندان قرار می‌دهد. نمایشگاه ماه مهر ۱۴۰۱ با عنوان «راز کلمه‌ها» به بهانه شروع سال جدید تحصیلی با موضوع «الفبا» برگزار می‌شود. بر این اساس، «پیک آفتاب»، «آ مثل آهو»، «ف مثل فیل»، «فارسی‌آموز ادبی»، «درخت الفبا»، «حرف‌آباد»، «ABC BOKA MI»، «THE Word SnooP»، «PicTuRe My Dayn» و «Het LEUKSTE ABC Ter WERELD» تنها برخی از کتاب‌های به نمایش درآمده در کتابخانه مرجع کانون پرورش فکری است. کتابخانه مرجع کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در خیابان شهید بهشتی، خیابان خالد اسلامبولی، پلاک ۲۴ واقع شده است. علاقه‌مندان در روزهای اداری از ساعت ۸ صبح تا ۱۷ می‌توانند از نمایشگاه «الفبا» دیدن کنند. / جام جم



ترکیه به مقصد قونیه

قونیه هفتمین شهر پر جمعیت در ترکیه است و علی‌رغم وجود جاذبه‌های متعدد گردشگری در ترکیه، خیلی‌ها از سراسر جهان با ادیان و اندیشه‌های مختلف به قونیه سفر می‌کنند چرا که طبق سیاست‌گذاری‌های دولت ترکیه، این شهر هم به لحاظ اقتصادی و صنعتی توسعه یافته و مقبره مولانا در این شهر تاونسته میزبان علاقه‌مندان به این شاعر شهیر از سراسر جهان باشد.

